

# هزار و صدین سالگرد زادن و وفات فارابی

مسعود رجب‌نیا

او پس از ارسطو که لقب معلم اول داشت لقب معلم ثانی گرفت و فیلسوفان اسلامی را در جهان اعتبار بخشید .

در مجلس سیف‌الدوله حمدانی سازی از چند قطعه چوب ساخت و حاضران را نخست خندان و سپس گریان کرد و آنگاه چون همه را خواب نمود از مجلس بدر رفت . فارابی در نهایت قناعت و با زهد و پارسائی و پرهیزکاری روزگار میگذرانید .

در قرن سوم هجری سامانیان برای حفظ قلمرو خویش از گزند ترکان و دیگر بیابانگردان آسیای میانه بسیاری از مردم سپاهی ایرانی را در مرزهای ماوراءالنهر جای دادند . از آن جمله بود محمد بن طرخان پدر ابونصر محمد معروف به فارابی که در وسیع نزدیک فاراب متولد شد . قاضی صاعد اندلسی در کتاب « التعریف بطبقات الامم » و ابن ابی اصیبعه در « عیون انباء فی طبقات الاطباء » و شهرزوری در « تاریخ الحکما » او را فارس‌الاصل می‌دانند<sup>۱</sup> دی‌بور<sup>۲</sup> در « تاریخ الفلسفة فی الاسلام » نیز او را ایرانی می‌داند و استاد بدیع‌الزمان فروزانفر در لغت‌نامه ذیل نام ابونصر می‌نویسد « شکی باقی نمی‌ماند که ابونصر از نژاد ایرانی و بقرینه اسم و لباس که هیچیک دلیل نژاد نیست نمیشود او را بغیر نسبت داد » شاید طرخان هم لقب سپاهی و لشکری پدر ابونصر بوده است .

ابونصر ، چون به بغداد آمد جز فارسی و ترکی زبانی نمی‌دانست از آن‌دم بود که او عربی و بسیاری زبانهای دیگر آموخت چنانکه ابن‌خلکان گوید وی با همه زبانهای دنیا آشنا بود و هفتاد زبان می‌دانست . البته هفتاد عددی است برای نمودار ساختن زبان‌دانی بسیار او و نظری به بیان عین واقعیت ندارد .

۱ - « اصله فارسی » یا « کان من سلالة فارسیه » .

۲ - T. J. De Boer



در حرّان و در بغداد نزد یوحنا بن حیلان کتاب ثلاثیه مشتمل بر نحو و بلاغت و منطق و رباعیه مشتمل بر حساب و موسیقی و هندسه و نجوم را فرا گرفت . سپس در نزد متی بن یونس یا یونان منطق و فلسفه ارسطو آموخت و کتب ششگانه ارسطو را بدین تفصیل شرح کرد :

- کتاب المقولات یا قاطیقوریاس .
- کتاب العبارة یا باری ارمیناس .
- کتاب القیاس یا انالوطیقا الاولى .
- کتاب البرهان یا انالوطیقاالثانیه .
- کتاب المواضع الجدلیه یا طویبقا .
- کتاب الاقوال المغلطه یا سوفسطیقا .
- کتاب الخطابه یا ریطوریقا .

در حدود سال ۳۳۴ گویا از بیم حنبلیان و متعصبان بغداد که با فیلسوفان دشمنی داشتند به حلب نزد سیف الدوله صمدانی رفت .

گویند در مجلس او سازی از چند قطعه چوب ساخت و حضار را نخست خندان و سپس گریان ساخت . آنگاه چون همه را خواب کرد از مجلس به در رفت .

فرا بی در موسیقی مهارتی بسزا داشته و کتاب الموسیقی الکبیر او شاهکاری است در تحقیق در علم موسیقی و گویند قانون اختراع او است .

نظر به اینکه او نخستین حکیمی بود در میان مسلمین که کتب ارسطو را با وضوح و بیان آشکار شرح کرد بعد از ارسطو که لقب معلم اول داشت لقب معلم ثانی گرفت و پس از او هم کسی چنین لقبی نیافت .

ابن سینا در شرح احوال خود گوید بعد از آنکه کتاب ماوراء الطبیعه ارسطو را چهل بار خوانده و نفهمیده با خود گفته است که برای فهم این کتاب راهی نیست ! روزی در بازار صحافان دلالی اورابه خریدن کتابی خوانده که چون دیده است که درباره ماوراء الطبیعه است از خرید منصرف می شود ، سرانجام باصرار فروشنده می خرد و چون به دقت بر آن می نگرد همان رساله تحقیق ارسطاطالیس فی کتب ما بعد الطبیعه بوده و با خواندن آن به گفته ارسطو پی میبرد و گوید « کتاب برای من حل شد و بشکرانه صدقه فراوان به فقرا دادم . »

از تألیفات مهم او یکی الجمع بین رأی الحکیمین است که در آن کوشیده است نظریات ارسطو و افلاطون را یکسان و همانند جلوه گر سازد و آنها را با دین اسلام منطبق سازد . گویا این را برای ملاحظه دشمنی قشریون با اهل فلسفه کرده باشد .

در نظر او هر کسی که بخواهد فلسفه تحصیل کند باید پرهیز کار و تندرست و خوش خلق و پاکدامن و راستگو باشد و از فسق و فجور و نیرنگ و فریب و خیانت دوری کند و برای گذران زندگی از کار بی نیاز باشد و نه چیز را در مقدمه بداند که عبارتند از :

- ۱ - اسم فرقه های فلسفی .
- ۲ - غرض ارسطو از تصنیف هر یک از کتب خود .
- ۳ - علومی که مقدمه است بر فلسفه .
- ۴ - شناخت فایده فلسفه .
- ۵ - طریق آموزش فلسفه .
- ۶ - معرفت بر شیوه سخن ارسطو در هر یک از کتب او .
- ۷ - معرفت بر علت لغز گویی ارسطو .
- ۸ - شناختن احوال کسانی که فیلسوف شده اند .
- ۹ - آنچه برای آموختن کتب ارسطو لازم است .

فارابی، فلسفه را برتر از مذهب میدانند. مذهب را خاص يك ملت و محدود به حدود و محیط هر ملت می‌شمارد ولی فلسفه را جهانی می‌داند و فیلسوف را مصلح امور جهان و حاکم واقعی مدینه فاضله.

در کتاب آراء اهل المدینه الفاضله که بیشتر نظریه کتابهای جمهور و نوامیس افلاطون دارد پس از برشمردن اعضای پیکر آدمی و نسبت ریاست و مرئوسیت آنها به یکدیگر و مقایسه آنها با طبقات شهرآرمانی به شیوه پرورش «فاضل» که رئیس چنین شهری است می‌پردازد و حکیم را تنها سزوار حکومت بر اجتماع انسانهای برگزیده مدینه فاضله می‌داند. سپس می‌پردازد به توصیف مدینه‌های جاهله و ضاله و مبتدله و فاسقه و صفات آنها و ریاست آنها را بر می‌شمرد. در واقع يك متن جامعه‌شناسی است از روزگاری که جهانیان توجهی بدین‌گونه مسایل نداشتند.

افکار فلسفی فارابی متأثر بود از فیلسوفان یونانی منتهی آنچه به‌اورسیده بود از روایات و ترجمه‌های سربانیان بود به عربی و در واقع فلسفه متحجر و محرف یونان و مکتب اسکندریه بود.

\* \* \*

فارابی در نهایت قناعت می‌زیست و با زهد و پارسایی و پرهیزکاری روزگار به سر می‌برد. از سیف‌الدوله تنها روزی چهار درهم کفاف خرج روزانه خود را می‌گرفت. در عسرت زیست و مرگ او را بعضی به دست راهزنان در هنگام بازگشت از مصر به عسقلان گفته‌اند و برخی هم مرگش را طبیعی شمرده‌اند. قول اخیر درست‌تر می‌نماید.

فروزانفر در لغت‌نامه می‌نویسد «فارابی ظاهراً در حدود سنه ۲۶۰ متولد شده است. زیرا می‌گویند که او وقتی که وفات یافته قریب ۸۰ سال از عمر او گذشته بود و چون تاریخ وفات او بطور تحقیق ۳۳۹ هجری است پس ولادت او باید در حدود ۲۶۰ ه. اتفاق افتاده باشد...» ۲۶۰ هجری برابر است با ۸۷۳ م.

افکار او در اخوان‌الصفاء و ابن‌مسکویه و ابن‌سینا بسیار مؤثر بوده است. قاضی صاعد اندلسی گوید «اگر یعقوب بن اسحق کندی فیلسوفان عرب را در جهان تشخیص بخشد فارابی فیلسوفان اسلامی را معتبر ساخت.»

ابن خلکان او را بزرگترین فیلسوف اسلامی می‌داند و کسی را همپایه او نمی‌شمارد و ابن‌سینا را از او بهره‌مند می‌داند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی